

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۹/۲۵

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۱/۱۰

(صفحه ۵۱-۶۹)

## عبدالرحیم صفی پوری و منتهی الأرب فی لغات العرب

علیرضا حاجیان نژاد\*

### چکیده

عبدالرحیم بن عبدالکریم صفی پوری از دانشمندان مسلمان قرن سیزدهم هجری شمسی در هند است که در حوزه‌های مختلف علمی و ادبی به زبان فارسی و عربی تألیفات متعددی از خود به یادگار گذاشته است. سال تولد او نامعلوم است، اما وفات وی در سال ۱۲۶۰ ق بوده و مدفنش کلکته است. آثار وی در حوزه فرهنگ لغت عربی به فارسی و صرف و نحو عربی، اعم از تألیف و تدوین و شرح و تحلیل است. مهم‌ترین اثر وی منتهی الأرب فی لغات العرب است که نخست در سال‌های ۱۲۵۲-۱۲۵۷ در کلکته زیر نظر خودش و پس از آن با حروف چینی و کتابت جدید مکرر در ایران و شبه‌قاره چاپ سنگی شده است. حروف چینی و کتابت جدید دقیق نبوده و اغلاط زیادی در این کتاب راه یافته است. کتاب مذکور بر اساس قاموس المحيط شکل گرفته، اما صرفاً ترجمه آن نیست. افزوده‌ها، اصلاحات و نقدهای مؤلف بر منابع و اظهارنظرهای اجتهادیش کتاب منتهی الأرب را به یک فرهنگ لغت عربی - فارسی کامل، جامع و مستقل تبدیل کرده است.

**کلیدواژه‌ها:** منتهی الأرب، صفی پوری، بحرالمحیط، قاموس المحيط.

## مقدمه

فرهنگ‌های دوزبانه از دیرباز مورد توجه محققان و دانشمندان بوده است و همواره در میان ملت‌ها و اقوامی که قرابت و تبادل فرهنگی وجود داشته، به این موضوع پرداخته شده است. همسایگی ایرانیان با کشورهای عرب‌زبان و همکاری‌ها و ارتباطات مختلف بین گویشوران این دو زبان، سبب شده بخش قابل توجهی از همت دانشمندان لغوی به‌ویژه در بین فارسی‌زبانان و ایرانیان، صرف تدوین فرهنگ‌های دوزبانه عربی - فارسی شود. میزان توجه به تدوین این قسم فرهنگ‌های لغت یا ترجمه فرهنگ‌های تدوین شده عربی به فارسی در ادوار مختلف تاریخی بسته به عوامل گوناگون یکسان نبوده است. در نیمه دوم قرن سیزدهم، ارتباطات ایران و اروپا بیشتر شد و به خاطر بی‌بهرگی زبان عربی از دانش نوین غربی، این زبان جایگاه علمی کهن خود را از دست داد و بیشتر از نظر مذهبی اهمیت پیدا کرد و به همین سبب در این قرن، فرهنگ مشهوری اعم از عربی به عربی یا عربی به فارسی در ایران تدوین نشد. کتاب منتهی‌الأرب فی لغات العرب نیز که می‌توان آن را بنام‌ترین و بزرگترین فرهنگ لغت عربی به فارسی دانست در شبه‌قاره تألیف شده است (حسنی، ج ۷، ص ۲۵۸؛ منزوی، ص ۳۴۱-۳۴۲).

## زندگی نامه عبدالرحیم صفی‌پوری

در اغلب منابع و مآخذ آورده شده است که از عبدالرحیم صفی‌پوری مؤلف منتهی‌الأرب هیچ اطلاعی در دست نیست، به جز آن مقدار که خود در مقدمه کتاب مذکور آورده است. باید یادآور شد که صفی‌پوری در آن مقدمه نیز هیچ اطلاعی از شرح زندگی خود نیاورده و تنها اطلاع مختصری درباره انگیزه تألیف و تدوین کتاب، نقد بسیار کوتاهی بر فرهنگ‌های لغت عربی و عربی به فارسی، چگونگی تدوین کتاب، حامی خود در تدوین آن و منابع اصلی آورده است.

عبدالرحیم بن عبدالکریم صفی‌پوری، شیخی فاضل و از دانشمندان متبحر زمان خود بود (حسنی، همان‌جا؛ رحمان‌علی، ص ۱۱۹). وی «در علوم ادبیه حظی وافر داشت» (رحمان‌علی، همان‌جا). موطن وی شهرستان صفی‌پور در بنگال شبه‌قاره هند دانسته شده است (برزگر، ص ۱۶۹۸).

سال تولد صفی‌پوری در هیچ یک از منابع چاپ شده در ایران یا شبه‌قاره ذکر نشده است و در میان اطلاعات موجود نیز قرینه‌ای وجود ندارد که بشود به کمک آن سال تولد او را به تقریب حدس زد، اما، وفات وی در نزهة الخواطر صراحتاً «سنهٔ سبع و ستّین و مأتین وألف» (۱۲۶۷ق) و مدفن او نیز کلکته آورده شده است (حسنی، همان‌جا).  
عبدالرحیم صفی‌پوری منشی بخش فارسی کالج فورت ویلیام<sup>۱</sup> در کلکته بوده است. او همچنین از نخستین استادانی بود که شرکت هند شرقی آنها را به تدریس در مدرسهٔ کلکته گمارد (Nabi Hadi, p.22؛ برزگر، همان‌جا).

### آثار عبدالرحیم صفی‌پوری

آثار به جا مانده از عبدالرحیم صفی‌پوری به زبان فارسی و عربی است که با اندکی تسامح می‌توان آنها را در سه گروه دسته‌بندی کرد.

۱. آثار تألیفی و تدوینی.
  ۲. آثاری که تصحیح و چاپ کرده است.
  ۳. آثاری که ترجمه یا خلاصهٔ اثر دیگر است.
- مهم‌ترین آثار وی آثار تألیفی و تدوینی او به زبان فارسی و عربی در حوزهٔ فرهنگ و لغت فارسی و عربی و صرف و نحو عربی هستند.

### الف) فرهنگ‌های لغت

۱. مهم‌ترین و ارزشمندترین و مفصل‌ترین اثر صفی‌پوری در حوزهٔ فرهنگ لغت کتاب منتهی الأرب فی لغات العرب است که دربارهٔ آن و ویژگی‌هایش پس از این توضیح داده خواهد شد.

۲. اثر دیگر وی عین الاحسان فی کشف غایة البیان به زبان فارسی است، این کتاب فرهنگ واژگان دشوار دو اثر دیگر صفی‌پوری یعنی کتاب غایة البیان و کتاب المسالك البهیة است که مؤلف در پی توضیح واژگان غریب و دشوار آن دو کتاب بوده است تا

1. Fort William.

خواننده در مراجعه به آنها دچار مشکل نشود. این کتاب در کلکته، به سال ۱۲۴۳ق/ ۱۸۲۸م چاپ شده است (نوشاهی ۱، ج ۲، ص ۹۴۴).

۳. بحرالمحیط فرهنگی عربی به فارسی است که تألیف آن را به عبدالرحیم صفی‌پوری با همکاری کاظم علی بن سید امان‌الله نصرآبادی نسبت داده‌اند. با توجه به اشاراتی که در معرفی این کتاب در فهرست‌ها آورده شده است احتمالاً تألیف این کتاب به اشتباه به صفی‌پوری نسبت داده شده است. در کتاب فهرست کتاب‌های فارسی چاپ سنگی و کمیاب کتابخانه گنج‌بخش در معرفی شیوه تدوین این کتاب عبارتی آورده شده است که کلمات آن لفظ به لفظ عبارات آغازین منتهی الأرب است: «استخراج لغت این کتاب را بر حرف اول و ثانی و ثالث ترتیب داده، اول را باب و ثانی را فصل مقرر و معین گردانید» (همان، ج ۱، ص ۲۹۱). بنا به گفته نوشاهی کتاب مذکور شامل ۲۸ باب است که جلد اول آن مشتمل بر (الف - خ) است. وی عبارت آغازین کتاب را نیز چنین نقل کرده است. «رَبَّنَا آتِنَا مِن لَدُنْكَ...» که آیه ۱۰ سوره کهف (۱۸) است. با توجه به اطلاعات پیش‌گفته، تبویب و تدوین و تقسیم‌بندی مجلدات و عبارات آغازین کتاب لفظ به لفظ شبیه منتهی الأرب است. سال چاپ بحرالمحیط نیز ۱۲۶۷ق آورده شده است که دقیقاً ده سال پس از چاپ آخرین مجلد منتهی الأرب می‌باشد.

همچنین بنابر نوشته صفی‌پوری، منتهی الأرب مشتمل بر همه واژگان قاموس‌المحیط است. علاوه بر آن صفی‌پوری گفته، واژگانی که در قاموس‌المحیط نبوده از دیگر منابع اخذ کرده و به کتاب خود افزوده و در نظر داشته واژگان قاموس‌المحیط را به فارسی ترجمه کند و اگر چنین کاری را پیش از تدوین منتهی الأرب انجام داده بود حتماً به آن اشاره می‌کرد و در عین حال تأکید کرده عملی کردن نیتش با موانعی مواجه بوده است. با این حال چه ضرورتی داشته که صفی‌پوری پس از چاپ منتهی الأرب، کتاب بحرالمحیط (= ترجمه قاموس‌المحیط) را در روزهای پایانی عمر تدوین کند.

به نظر می‌رسد سهو یا خلطی در کار است یا منابعی که از بحرالمحیط یاد کرده‌اند و تألیف یا ترجمه آن را به صفی‌پوری نسبت داده‌اند کتاب مذکور را درست و با دقت ملاحظه نکرده و خوب و دقیق معرفی نکرده‌اند. از آنجا که صفی‌پوری چند کتاب عربی و فارسی را در ربع یکم سده ۱۹ در کلکته چاپ و منتشر کرده است، مانند الصراح در سال

۱۸۱۲ با همکاری مؤلفان دیگر (Storey, vol. I, p. 202)، ممکن است این کتاب نیز از مؤلفی دیگر باشد که با آثار صفی‌پوری خلط شده است و بعید است که نام دیگری از منتهی‌الأرب بوده باشد زیرا صفی‌پوری در همان مقدمه کوتاه در مجلد اول منتهی‌الأرب نام کتاب و وجه تسمیه آن و نام خود را صریحاً آورده است.

### ب) صرف و نحو عربی

در نظر صفی‌پوری «علم السنه و لغات عرب یکی از بدایع و ودایع الهی است» (صفی‌پوری ۳، ص بیست و سه). به نظر می‌رسد این نگاه مقدّس‌گونه به زبان عربی سبب شده که وی به زبان عربی و صرف و نحو آن توجه خاص نموده و برخی از تألیفات خود را به آن اختصاص دهد. آثار صفی‌پوری در صرف و نحو عربی به دو دسته تألیف و شرح و توضیح تقسیم می‌شود.

### الف) آثار تألیفی

۱. المسالك البهيّة في القواعد النحويّة: به زبان فارسی در نحو عربی. محتوای این کتاب مشتمل بر قواعد نحوی و متضمّن ضوابط ترکیب کلمات عربی در حدود ۲۱۳ صفحه است که در سال ۱۲۴۴ ق / ۱۸۲۸ م در کلکته چاپ شده است (نوشاهی ۱، ج ۱، ص ۳۶۱؛ همو ۲، ج ۲، ص ۹۶۷).
۲. غاية البيان في علم اللسان: در صرف و نحو عربی به زبان فارسی است که تاریخ تألیف آن در حدود سال ۱۲۴۲ ق / ۱۸۲۷ م بوده است (سید عبدالله، ج ۳، ص ۵۸۷؛ نوشاهی ۲، ج ۲، ص ۹۴۴). این کتاب شامل یک مقدمه و ده باب و یک خاتمه است. در سال ۱۲۴۳ ق / ۱۸۲۸ م در کلکته و پس از آن به سال ۱۲۸۶ ق / ۱۸۷۰ م در مطبعة شعلة طور کانپور به تصحیح محمدحسن بلگرامی به چاپ رسیده است (نوشاهی ۲، همان‌جا).
۳. ضرورة الاديب: رساله‌ای به زبان عربی در بیان جنس (تذکیر و تأنیث) «فی المؤنث السماعی» است (رحمان‌علی، ص ۱۱۹). صفی‌پوری نیز تنها از این کتاب خود در منتهی‌الأرب ذیل ماده «ص هب» مدخل «صهباء» یاد کرده است. ضرورة الاديب در کلکته به سال ۱۸۲۱ م و به ضمیمه چند چاپ هندی از «کافیه» طبع شده است (Storey, Vol. I, p. 202).

### ب) شرح کتب در موضوع صرف و نحو عربی

۱. ایضاح المسالک الی الفیة ابن مالک: این کتاب گزارشی است به زبان عربی در شرح الفیة ابن مالک که در کلکته به سال ۱۸۳۲ م چاپ شده است (Ibid).
۲. حلّ الشواهد: به زبان عربی در شواهد شعری کافیة ابن حاجب است. این کتاب نیز در کلکته در سال ۱۲۳۶ ق / ۱۸۲۱ م چاپ شده است (Ibid).

### گروه دوم آثار صفی‌پوری

۱. الصّراح: نام کامل این کتاب الصّراح من الصّحاح است که گاه به اختصار آن را «صراح اللّغة» گفته‌اند. مؤلف آن جمال قرشی (منسوب به قرش از شهرهای ماوراءالنّهر) است که کار ترجمه و تألیف آن را در شهر کاشغر ماوراءالنّهر، در سه شنبه شانزدهم صفر سال ۶۸۱ ق به اتمام رسانده است (منزوی، ص ۳۰۹). این کتاب در سال ۱۸۱۲ میلادی به چاپ رسیده است و به نظر می‌رسد کاظم نصیری در تصحیح این کتاب صفی‌پوری را یاری کرده است.
۲. الفوائد الصّیائیة: از جامی. نام کامل کتاب فوائد الصّیائیة فی شرح الکافیة است که از کتب معتبر نحو عربی است و بارها چاپ شده است (چیتیک، ص بیست). صفی‌پوری آن را در سال ۱۸۱۸ چاپ کرده است (Storey, vol. I, 203).

### گروه سوم آثار صفی‌پوری

- این دسته آثاری هستند که صفی‌پوری آنها را شرح، یا تلخیص کرده است.
۱. نورالایمان: به زبان فارسی در نَسَب پیامبر<sup>(ص)</sup>، معجزات، فضایل و دیگر صفات و سجایای خاصّ رسول اکرم<sup>(ص)</sup> و دربارهٔ زنان و فرزندان آن حضرت است. این کتاب برگرفته از کتاب شمایل النّبی ابن حجر (۹۵۰ ق) است (Ibid: نوشاهی ۲، ج ۱، ص ۲۴۲۴).
  ۲. زبدة التّواریخ به زبان فارسی که آن را گزیدهٔ سیر المتأخّرين غلام علی خان طباطبائی دانسته‌اند. زبدة التّواریخ به سال ۱۸۲۷ م در هند چاپ شده است.
  ۳. شرح قصیده سبعة: آن را مختصر شرح زوزنی بر معلّقات دانسته‌اند (حسنی، ج ۷، ص ۲۵۸)، این کتاب در سال ۱۸۲۳ م چاپ شده است.

## منتهی الأرب فی لغات العرب

در اغلب منابع فارسی و حتی پشت جلد چاپ‌های مکرر سنگی، نام این کتاب تصحیف شده است و عموماً به نام «منتهی الأرب فی لغة العرب» آورده شده است. ممکن است این تصحیف ناشی از دریافتی باشد که دانشمندان زبان‌شناس از واژه «لغات» در معنی «کلمه» دارند که بیشتر به مفهوم «لهجه» نزدیک است. در معاجم عربی اعم از قدیم و جدید مانند صحاح، قاموس المحيط، لسان العرب و اقرب الموارد آمده است: «لَغِيَّ به يَلغِي لغاً، أَى لهجَ به». اما فیروزآبادی واژه لغت را «اصواتٌ يُعَبَّرُ بها كُلُّ قومٍ عن اغراضهم» معنی کرده و لغات و لُغُون را جمع آن دانسته است (ذیل ماده ل غ ی). این واژه به همین معنی «لُغِيَّ» به ضم و مقصور هم جمع بسته شده است، مانند: بُرَة و بُرَى. معاجم دیگر نیز نزدیک به همین معنی را آورده‌اند. کتاب منتهی الأرب از بنام‌ترین و بزرگ‌ترین لغت‌نامه‌های عربی به فارسی به شمار می‌آید و آن را اساس کار در تألیف فرهنگ نفیسی در ایران و فرهنگ آندراج در هند دانسته‌اند (منزوی، ص ۲۴۷).

هم باید اذعان کرد پس از منتهی الأرب فرهنگ‌های لغت عربی به فارسی که در ایران تألیف و تدوین و یا ترجمه شده‌اند، جامعیت و دقت کتاب مذکور را ندارند، اگر چه مؤلفان و مصنفان برخی از این فرهنگ‌ها ادعای تصنیف جدید در لغت عربی به فارسی دارند، اما حقیقتاً از خوان فضل صفی‌پوری بهره‌ها برده‌اند بدون اینکه از وی و کتاب مذکور یاد کنند و حتی در موارد پرشماری بدخوانی‌هایی نیز داشته‌اند که به این موضوع در جای دیگر پرداخته‌ایم.

انگیزه صفی‌پوری در تألیف منتهی الأرب چنان که مکرر گفته شد تدوین فرهنگ لغتی کامل، به دور از ایجاز مخل و اطناب ممل و شواهد مُغلق و یافتن آسان لغات بوده است. وی در عملی کردن این نیت قاموس المحيط فیروزآبادی را که از ایجاز لازم برخوردار بوده مبنا قرار داده و هر ماده لغتی که در قاموس المحيط نبوده از منابع دیگر اخذ کرده و در جای خود نهاده است (صفی‌پوری ۳، ص بیست و چهار). صفی‌پوری منتهی الأرب را بر اساس حروف الفبا به بیست و هشت کتاب و هر کتاب را به فصل‌های متفاوت نامگذاری کرده است. در هر فصل حرف اوّل ریشه را باب و حرف دوّم آن را فصل قرار داده است. مثلاً «الکتاب الأوّل فی الهمزه» در وهله بعد «باب الهمزة فصل الباء» یعنی در این کتاب (=

بخش) همه ماده‌های فعل عربی که حرف اوّل ریشه آنها همزه است و حرف دوم ریشه آنها «باء» به ترتیب حرف اوّل و دوم و سوم ریشه مرتّب شده است.

### چاپ‌های منتهی‌الأرب فی لغات العرب

مجلّدات مختلف چاپ نخست این کتاب در سال‌های ۱۲۵۲-۱۲۵۷ق / ۱۸۳۶-۱۸۴۱م حرفی زیر نظر مؤلف در شهر کلکته و پس از آن در ایران و شبه‌قاره مکرّر چاپ شده است. بنابراین می‌توان چاپ‌های مختلف آن را به خارج از ایران و ایران دست‌بندی کرد.

### الف) خارج از ایران

پیش از این عارف نوشاهی چند چاپ از این کتاب را معرفی کرده است (نوشاهی ۱، ج ۱، ص ۳۱۵-۳۱۶). در ادامه چند چاپ دیگر را که معرفی نشده‌اند، می‌شناسانیم.

– منتهی‌الأرب چاپ مطبع مصطفائی ۱۳۱۵ق / ۱۸۹۶م. در پشت جلد کتاب، بخش دوّم عنوان کتاب آورده نشده، با این توصیف که در آن (= منتهی‌الأرب) معنی لغات عرب به زبان فارسی مندرج است. این چاپ به فرمایش لاله‌عطر چندانید کمپنی تاجران کتب انارکلی لاهور چاپ شده است. روی جلد علاوه بر توصیف مذکور این عبارت نیز آمده است: «مطلوب شائقان با کمال، محبوب سخنوران شیرین مقال، أعنی منتهی‌الأرب».

منتهی‌الأرب بار دیگر با همان توصیف «مطلوب...» در پشت جلد در مطبع اسلامیّه لاهور چاپ شده و روی جلد نام کامل کتاب منتهی‌الأرب فی لغات العرب درج شده است. چاپ مجلد یک و دو در سال ۱۳۲۴ و مجلد سه و چهار در سال ۱۳۲۵ حسب فرمایش مولوی علی محمد و رامده مل از تاجران کتب لوهاری دروازه لاهور بوده است (صفی‌پوری ۲). در این چاپ ماده‌های الفاظ در حاشیه و لغت هر ماده به قلم جلی تحریر شده و در برخی موارد زیر آن خط تیره کشیده شده است.

– از منتهی‌الأرب چاپ‌های دیگر نیز در دسترس است، مانند چاپ مطبعه سرکاری در لاهور به سال ۱۸۴۱ م، چاپ سال ۱۸۹۵ م به سفارش تاجران چند از لاهور که غیر از چاپ مطبع مصطفائی لاهور است، چاپ دیگر مولوی علی محمد و رامده مل که احتمالاً همان چاپ ۱۳۲۴ را در سال ۱۹۰۴ تجدید کرده‌اند.

## ب) چاپ‌های منتهی‌الأرب در ایران

این کتاب در ایران چنان‌که گذشت با نام منتهی‌العرب فی لغة العرب نخست در تهران در دو مجلد به صورت سنگی در سال ۱۲۹۶ ق چاپ شد و سپس در سال ۱۳۳۷ در چهار جلد با سرمایه کتابفروشی اسلامیة، ابن سینا، امیر کبیر، خیام، جعفری تبریزی، سنائی و چاپ اسلامیة افست مطبع کربلایی محمد حسین چاپ شده است (صفی‌پوری ۱). افزون بر چاپ‌های سنگی اخیراً انتشارات دانشگاه تهران چاپ تازه‌ای از منتهی‌الأرب را به تصحیح محمد حسن فؤادیان و علیرضا حاجیان‌نژاد ارائه کرده که مجلد اول آن در سال ۱۳۸۷ و مجلد دوم در سال ۱۳۹۲ روانه بازار کتاب شده است.

## نقد چاپ‌های منتهی‌الأرب

بنا به نوشته منزوی: «در این کتاب اغلاط بسیار وجود دارد و آقای محمد پروین گنابادی مقداری از آن را گرد آورده است» (ص ۳۴۲). نتیجه کار پروین گنابادی ظاهراً جایی چاپ نشده است، اما اغلاط این کتاب مهم و مرجع همواره دغدغه محققان بوده است. سید حمید طبیبیان در مقاله «نقد و بررسی ویژگی‌های واژگانی، زبانی، دستوری و نگارشی منتهی‌الأرب» روی هم‌رفته خطاهای کتاب را به دو دسته تقسیم کرده است و برای هر یک نمونه‌هایی آورده است: «نخست خطاها و اشتباهاتی که ناشی از تحریف و تصحیف برخی کلمات است و این تحریف و تصحیف‌ها یا به هنگام کتابت متن کتاب، یا در موقع چاپ آن، یا به علت بدخوانی واژه‌ها و یا پس و پیشی حرکات اعرابی آنها رخ داده است» (ص ۹۹). در نظر آقای طبیبیان بخش دیگر اغلاط منتهی‌الأرب لغزش‌ها و سهوهای است که از استنباط نادرست مؤلف نشئت گرفته است که اصلاح آنها جز از طریق مراجعه به معاجم عربی امکان‌پذیر نیست (همان‌جا).

درباره اغلاط دسته نخست در منتهی‌الأرب باید گفت بخش اعظم آن ناشی از حروف چینی جدید در ایران است. می‌توان گفت اغلب تغییرات و لغزش‌های موجود در چاپ‌های ایران ناشی از استنساخ و اعمال سلیقه فرج‌الله بن هاشم الحسینی کاشانی است. او در انجامة چاپ ۱۲۹۸، بعد از آوردن انجامة عبدالرحیم صفی‌پوری، یادآور شده است «استنسخه و استکتبه لانتباعه، و صححه بعد ما نقحه بطباعه... العبد الأثم فرج‌الله بن هاشم، و

کان ذلک الاستنساخ و الانطباع فی محروسه طهران»، همچنین تمام حواشی موجود در چاپ‌های مکرر ایران نیز افزوده اوست. او در مواردی که حواشی کمی طولانی شده، نام خود را در پایان ذکر کرده است.

در چاپ‌های شبه‌قاره جز برخی افتادگی‌ها که در حاشیه کتاب اضافه شده هیچ توضیح اضافه‌ای در حواشی آورده نشده است. فرج‌الله حسینی علاوه بر افزودن حواشی که اغلب بلکه تمام آنها از برهان قاطع اقتباس شده، در محتوای متن کتاب هم دخل و تصرف کرده است، مثال: در ماده «خ ذرف» مدخل «خذرفت الابل» آمده است: «سنگ‌ریزه‌ها انداختند شتران به سپل از شتاب روی». فرج‌الله حسینی در حاشیه چاپ ایران آورده است: «سبل - به ضم سین و فتح باء - یعنی پای شتر، مانند سول، و به این مؤلف (= عبدالرحیم صفی‌پوری مؤلف منتهی‌الأرب) هر چه «باء» بوده باشد، فارسی نوشته و ما غضب نموده، اصلاح نمودیم و به طبع رسید. بعد از این هر چه دیده شود اصلاح می‌شود». این واژه با «پ» در چاپ اصلی ثبت شده و صحیح است، اگرچه به ضم سین و فتح باء هم ثبت شده و صحیح است (دهخدا، ذیل واژه سبل)، اما جمله «ما غضب نموده، اصلاح نمودیم» گویای دست‌کاری‌های دیگر وی در متن است.

مثال دیگر: در ماده «زن د» در چاپ قدیم هند مدخل «زند نیجی» هست، ولی فرج‌الله حسینی «ن» را «پ» یعنی - زندیجی - قرائت کرده و بی ربط و نادرست در حاشیه توضیح داده است. البته مواردی هم وجود دارد که وی از در احتیاط درآمده و توضیح خود را با شک و تردید نوشته است.

مثلاً در ماده «ح م و» مدخل «حماة المرأة» در متن چنین توضیح داده شده است: «خستامن زن که مادر شوی باشد». حسینی در حاشیه آورده است: «خستامن - بر وزن تردامن - مادر زن، مؤلف (= صفی‌پوری) در اینجا به معنی مادرشوی آورده است که به این معنی دیده نشده، شاید به هر دو معنی آمده باشد و شاید که پارسی‌زبانان هند به این معنی استعمال کنند».

رحمان علی ریوانی در معرفی آثار صفی‌پوری آورده: «و منتهی‌الأرب فی کلام العرب، ترجمه قاموس در چهار جلد» (همان‌جا). گذشته از تسامحی که رحمان علی در ثبت عنوان کتاب مرتکب شده، بدون توجه به عبارت صریح صفی‌پوری در مقدمه کتابش که گفته در نظر داشته واژگان قاموس المحيط را ترجمه کند ولی موانع و عوایق مانع بوده، اضافه

کرده، اساس کار خود را در تدوین منتهی‌الأرب بر ترجمه قاموس المحيط نهاده و از کتاب‌های دیگری هم بهره برده است. بنابراین پاورقی شماره یک صفحه ۲۴۶ کتاب فرهنگ نامه‌های عربی به فارسی که نوشته جز منتهی‌الأرب چهار ترجمه از قاموس المحيط در این رساله یاد کرده ایم و خواننده را به صفحات ۲۱۵-۲۲۲ ارجاع داده، نوعی تسامح است و حقیقتاً منتهی‌الأرب ترجمه قاموس المحيط است با برتری‌های متعدّد و امتیازهای بررسی که در ادامه همین مقاله به نکاتی در این باره توجّه خواهیم داد.

### چاپ دانشگاه تهران از منتهی‌الأرب

اخیراً انتشارات دانشگاه تهران مجلد اول و دوم منتهی‌الأرب را به ترتیب در سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۹۲ روانه بازار کرده است، اما متأسفانه در هر دو مجلد آن خطاها و لغزش‌هایی راه یافته که به اختصار به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

ناهم‌سانی مدخل و توضیح آن ← ماده «روغ» مدخل «ردغة الخبال». ثبت غلط مدخل ← ماده «ردی» مدخل «مردی» که «مرادی» صحیح است. ثبت غلط برخی اعلام یا توضیحات آن ← ماده «ردن» مدخل «رُدین» که اسب عمر بن مرثد ثبت شده ولی «نام اسب بشر بن عمرو بن مرثد ردینی» صحیح است. یا مدخل «دوفن»، «وفن» ثبت شده است. در مدخل «ابودلامه» توضیح آن «نام شاعری و کوهی مشرف بر جیحون» ثبت شده که «حجون» صحیح است.

گاهی مدخل‌ها خلط شده‌اند. مثلاً در ماده «ص ف ف» مدخل «صفتُ السرج» چنین معنی شده است: «صَفّه ساختم زین را، و نیز صف به صف ایستادن» که مدخل معنی دوم یعنی «صفّ» ساقط شده و در چاپ ایران هم نیست.

برخی از خطاهای راه یافته در چاپ مذکور ناشی از خوانش غلط نسخه بوده است. مثلاً در ماده «روق» مدخل «راقه روقاً»، «شکست آورد او را» معنی شده که «شگفت آورد» صحیح است. یا در ماده «روه» مدخل «رواه علی الرّجل» به «محکم بست آن را بر شتر بر سر داد [؟] تا نیفتد» قرائت شده که «محکم بست آن را بر شتر به رسن تا نیفتد» صحیح است.

لغزش‌های راه یافته در چاپ دانشگاه تهران ظاهراً ناشی از اعتماد به چاپ سنگی

رایج در ایران است. مثلاً در ماده «ر ت م» مدخل «ارتم» به «آنکه بیان سخنی را نتواند به جهت آهنی که در زبان یا در دندان دارد» ترجمه شده، در لغت‌نامه دهخدا آن را به «آفتی» اصلاح کرده‌اند حال آنکه صحیح آن «عاهتی» در ماده «ع و ه» هست. در چاپ نخست منتهی الأرب زیر نظر مؤلف، این واژه «آهتی» ثبت شده است. گاهی این بدخوانی فقط در یک حرف از واژه‌ای بوده، ولی حاصل و معنی کاملاً دگرگون و غلط شده است. مثلاً در ماده «ردی» مدخل «ردی زیّد فی الخمسین» «فرونشد مال او بر پنجاه» قرائت شده است که «فزون شد سال او بر پنجاه» صحیح است.

### صفی‌پوری مصحح و منتقد قاموس المحيط

صفی‌پوری در تألیف و تدوین منتهی الأرب صرفاً مترجم نیست. وی در موارد بسیاری منتقدانه با منابع تألیف خود برخورد کرده، سهو و خطاهای آنها را نمایانده و آنها را تصحیح کرده است. وی همچنین اجتهادهای فیروزآبادی را در قاموس المحيط، که با عبارتهایی مانند «غلط‌الجوهری»، «وهم الجوهری» آمده، نقد کرده و دیدگاه خود را بیان کرده است. این انتقادهای اعم از معنی واژه، معرفی اعلام، اشتقاق واژه‌ها و... است. مؤلف منتهی الأرب همچنین مکرر به اظهار نظرهای فیروزآبادی در قاموس المحيط خرده گرفته و آنها را اصلاح کرده است و گاه دیدگاه فیروزآبادی و دیدگاه لغویون و نحویان بزرگ ادب عرب را نقد کرده است. برای نمونه: «نکش منه» در چاپ‌های مختلف قاموس المحيط «فزع» ثبت شده است و صفی‌پوری صحیح آن را، پس از بیان سهو فیروزآبادی، در منتهی الأرب «فَرغ» ثبت کرده است.

مؤلف، در تصحیح اغلاط قاموس المحيط، گاهی به منابع خود اشاره می‌کند. برای مثال: در ماده «ح م م» فیروزآبادی مدخل «تحمیم» را چنین معنی کرده است: «متّعها بالطلاق» که در منتهی الأرب این‌گونه و دقیق معنی شده است: «متعه دادن زن مطلقه را، يقال: حَمَّ امرأته، أي: متّعها بعد الطلاق». یا در ماده «ز ب ع»، مدخل «زوبع» (کجوه‌ر)، را «مرد کوتاه بالا» معنی کرده است، اما در ادامه افزوده است: «هذا ما فی الصحاح، و قال فی القاموس: الزوبع للقصير الحقیق - بالزاء المهملة - لا غیر، و تصخف علی الجوهری فی اللغه و فی

المشطور الذي أنشده مختلاً مصحفاً، قال:

«وَمَنْ هَمَزْنَا عِرْزَةً تَبْرَكِعَا عَلَى اسْتِهِ زَوْبَعُهُ أَوْ زَوْبِعَا»

از جمله سهوهای فیروزآبادی، که صفی‌پوری در منتهی‌الأرب بدان‌ها توجه داده، تکرارهایی است که در قاموس‌المحیط رخ داده و فیروزآبادی به آنها توجه نکرده است. صفی‌پوری، علاوه بر آنکه این تکرارها را یادآور شده، به شکل صحیح مدخل‌ها هم اشاره کرده است.

برای نمونه در ماده «روع»، مدخل‌های «سلیمان بن رؤاع حُشِنِي» و «احمد بن رؤاع مصری»، هر دو محدث معرّفی شده‌اند. صفی‌پوری اضافه کرده است: «یا آن به «غین» است و قد آورد صاحب‌القاموس فی الموضوعین و لم يتعرّض».

صفی‌پوری، چنان‌که خودش مکرّر اشاره کرده، به نسخه‌ای از قاموس‌المحیط به خط مؤلف دسترسی داشته است، ولی از مراجعه به نسخه‌های دیگر کوتاهی نکرده و توجه داده است که: «كذا في النسخة المصححة» باین حال، حتّی به نسخه تصحیح شده و منقّحی هم که در اختیار داشته خرده گرفته و آن را تصحیح کرده است.

مثلاً در مدخل «رحی عماره» صفی‌پوری، با عبارت «كذا في النسخة المصححة» اشاره می‌کند که در نسخه مصحح قاموس‌المحیط مدخل، چنین است و باین حال، خود آن را به «رحی عمار» اصلاح کرده است؛ یا در مدخل «الرّبة»، قاموس‌المحیط آن را «لعبه لمذحج» معنی کرده است و صفی‌پوری آن را به «كعبه» یعنی «خانه یا جایی که قبیله مذحج در آن حج می‌گزاردند» تصحیح کرده است.

مؤلف از ذکر مدخل‌هایی که به صحت آنها اعتماد کافی نداشته خودداری کرده است. برای مثال در ماده «برح» مدخل «بئر حاء»، در قاموس‌المحیط آمده است؛ اما به عقیده صفی‌پوری، چون از نظر اشتقاق جایش در ماده مذکور نیست، از آوردن آن در این ماده خودداری کرده است.

فیروزآبادی مکرّر در قاموس‌المحیط بر جوهری و... خرده گرفته است. صفی‌پوری این ایرادها را بررسی و منصفانه داوری کرده است. برای مثال، در مدخل «الشّراة للخوارج» جوهری گفته است: «الشّراة: الخوارج، الواحدُ شارٍ، سُمُو بذلك لقولهم: إنا شرينا انفسنا في طاعة الله، أي: بعنا ما بالجنتة حين فارقنا الأئمة الجائرة». فیروزآبادی عبارت را چنین نقد کرده است: «لا من

شرینا انفسنا فی الطّاعة، و وهم الجوهری». صفی‌پوری، گذشته از آنکه نظر جوهری را بیان کرده، توضیحی هم علاوه بر آن آورده که این توضیح اخیر در الصّحاح جوهری و قاموس المحيط فیروزآبادی نیامده است: «من شری زیداً إذا غضب و لَجَّ أو من قولهم: شرینا انفسنا فی طاعة الله، أى: بعناها بالجَنَّة حین فارقنا الائمة الجائرة».

صفی‌پوری به کتاب صراح اللّغة، ترجمۀ صحاح اللّغة جوهری<sup>۱</sup>، نیز توجّه داشته است.

برای نمونه در مادّه «ص ح ر»، مدخل «اصحیرار»، که به «خشک شدن گرفتن گیاه» ترجمه شده و در ادامه آمده است: «یقال: اصحارّ التّبت، اذا هاج و اصفرّ صفرة غیر خالصة، تفسیر صاحب صراح (بر آمدن نبات) غلط است» یا در مادّه «ص ل ق ع»، مدخل «صلقعة»، به «گردن زدن، و موی سر ستردن، و مقلّس شدن و...» معنی شده است. مؤلف در ادامه افزوده است: «تفسیر صاحب صراح، «صلقعة» نیست کردن غلط است، شاید اعدام را که به معنی مقلّس شدن است معدوم کردن دانسته است». یا در مادّه «ز ه د»، مدخل «تزهید» صفی‌پوری، پس از بیان معانی واژه مدخل، می‌افزاید: «هذا تفسیر ما اکثر فی النسخ من القاموس و بعضها التّحیل [که باید التبخیل باشد] به نون و هاء - لعله من التّحول و لم اقفه» که اظهار نظر خود را با تردید بیان کرده است. در چنین مواردی، معمولاً مؤلف منبع و مأخذ خود را نیز معرفی می‌کند. یا در ماده «ر ه ب»، ذیل «مدخل زهَب - بالتّحریک -» که به «آستین» ترجمه شده، آورده است: «و فی الصّراح، قال السّجاوندی فی عین المعانی: الزّهب - بالصّم - الّکُم، فی قوله تعالی (و اضمّم جناحک من الرّهب) (قصص: ۳۲/۲۸). أى: من الّکُم، و هی لغة بنی حنیفة و حمیر».

### صفی‌پوری محقق و مجتهد

صفی‌پوری، در تدوین و تألیف منتهی‌الأرب، برخی مدخل‌ها را به نحوی گزارش کرده که با چاپ‌های مختلف قاموس المحيط منطبق نیست. اغلب این موارد حاصل اجتهادهای شخصی وی یا مراجعه به منابع موثّق‌تر است؛ برای مثال در مادّه «ر ذ ن»

۱. به قلم جمال قرشی که در قرن هفتم در ماوراءالنّهر می‌زیسته است.

مدخل «ردان (کسحاب)» در قاموس المحيط روستائی در فسا معرّفی شده است، امّا صفی‌پوری آن را به اشتباه دهی در نیشابور دانسته است.

اعلام معرّفی شده در منتهی الأرب بسیار فراتر از اعلام منابعی است که صفی‌پوری در تألیف منتهی الأرب از آنها استفاده کرده است. مثلاً در مادّه «زی د»، در قاموس المحيط فقط از «زید بن عبدالله الزّیدی» و «زیدیون» که جماعتی محدث‌اند سخن به میان آورده است، اما در منتهی الأرب دوازده صحابی از اصحاب پیغمبر اکرم<sup>(ص)</sup> معرّفی شده‌اند که نامشان زید بوده است.

صفی‌پوری دربارهٔ اعلام امکنه نیز همین روش را داشته است: برای نمونه به مادّه «رود»، مدخل «رواده» رجوع کنید؛ همچنین در مادّه «درق»، مدخل درق آمده است: «سخت از هر چیز، و دهی است به مرو، و منها ابوجعفر الدّرقی شیخ السّمعانی». یا در مادّه «دجن»، در صحاح اللّغة، فقط کنیه سمّاک بن خرشة الانصاری دانسته شده است، امّا منتهی الأرب «ابن لوزان» را نیز آورده است.

اصلاحات صفی‌پوری در حوزهٔ اعلام گاهی بنیادی و ماهوی است. برای مثال، در مادّه «ش فر» در قاموس المحيط «کوهی به مکّه» معرّفی شده است، حال آنکه صحیح آن «کوهی به مدینه» است و صفی‌پوری آن را تصحیح کرده است.

افزوده‌های اعلام صفی‌پوری در منتهی الأرب، به‌ویژه دربارهٔ ایران، اعم از اشخاص و مکان‌ها، به نسبت مآخذش بسیار قابل توجه است که به چند مورد از آنها پیشتر اشاره شد. توضیح‌های وی شفاف‌تر و دقیق‌تر و گاهی بسیار افزون‌تر از منابع است. برای مثال، در مادّه «دشت»، مدخل «دشت الارزن»، در قاموس المحيط آمده است: «ع (= موضعی) است به شیراز»، ولی صفی‌پوری آن را چنین معرّفی می‌کند: «موضعی است میان شیراز و کازرون بر سی فرسخ از شیراز».

در چاپ‌های گوناگون قاموس المحيط، مصحّحان با افتادگی‌هایی مواجه بوده‌اند که طبق عرف تصحیح متون، آنها را داخل گروه قرار داده‌اند. صفی‌پوری به سبب در اختیار داشتن نسخهٔ دقیقی از قاموس المحيط یا با مراجعه به منابع دیگر، اغلب این افتادگی‌ها را لحاظ و به فارسی ترجمه کرده است. برای مثال، رجوع کنید به ذیل «رجع». برخی از این افتادگی‌ها در چاپ هند هم رخ داده است (برای مثال، رجوع شود

به مادّه «ص ع ف ر»).

در منتهی‌الأرب، مکرّر با اجتهادهای شخصی مؤلف مواجه‌ایم که گاه دربارهٔ متن و ترجمهٔ مدخل‌ها، اعم از توضیح مادّه و ریشهٔ فعل، توضیح اسم و... است. برای مثال، مؤلف ذیل «رجم»، پس از بیان معنی واژه، آورده است: «قلتُ هو جمع علی صورة المفرد»، یا در مادّه «ق و ب»، مدخل «قابه» آورده است: «علی ما فی الصحاح و غیره من کتب اللّغة و علی تفسیر المصنّف...».

مؤلف گاهی هم توضیحات خود را با «أقول» متمایز می‌کند: در مادّه «د ک ن ص»، مدخل «دکنکص (کسفرجل) - معرفة -» آمده است: «جوئی است در هند. قاله ابن عبّاد، و قال ابن عزیز: دکنکوص، و کانه وهم، لأنّ الصّاد لیس فی لغة غیرالعرب و اصطلاحوا علی أن یقولوا للمائة «صد» الی تسع مائة. أقول: لعلّه تعریب دیوکنکا».

تصحیحات صفی‌پوری بر لغزش‌های قاموس‌المحیط، چه در اعلام و چه در غیر اعلام، بسیار زیاد و در خور توجه است و خود می‌تواند پژوهش مستقّلی باشد.

### منتهی‌الأرب فراتر از قاموس‌المحیط

از جمله افزوده‌های منتهی‌الأرب بر قاموس‌المحیط شواهد شعری است. در مواردی در قاموس‌المحیط فقط به نام شاعر اشاره شده، ولی مصراع یا بیت شاهد مثال را نیاورده است.

برای مثال: در مادّه «خلق»، مدخل «خوالقها» فیروزآبادی گفته در قول لبید شاعر چنین است، ولی شعر مذکور را نیاورده است. در موارد متعدّدی از این قبیل، صفی‌پوری شعر شاهد مثال را یافته و در منتهی‌الأرب آورده است.

شروح قاموس‌المحیط از منابعی است که در تدوین منتهی‌الأرب مورد توجه مؤلف بوده، اما در مقدمه از آنها نام نبرده است. موارد بسیاری در منتهی‌الأرب وجود دارد که صفی‌پوری دیدگاه‌های شروح قاموس‌المحیط را ترجیح داده و گاه خود به این موارد توجه داده است. برای مثال در مادّه «ص ن ج»، مدخل «الأصنوجّه - بالصّم -» در قاموس‌المحیط «الدّالقة من العجین» معنی شده است. به نظر می‌رسد نسخه‌ای از قاموس‌المحیط که در اختیار صفی‌پوری بوده افتادگی داشته یا او در بیان معنی مدخل، به شرح

قاموس المحيط ارجاع داده و گفته است: «کذا فی الشرح». یا در ماده «حل د»، مدخل «مجلد (کمعظم)»، آورده است: «مقداری است از بار معلوم الکیل والوزن، کذا فی الشرح». مواردی نیز وجود دارد که صفی‌پوری واژه‌ای را بر اساس توضیحات قاموس المحيط معنی می‌کند، اما دیدگاه شارحان قاموس را نیز بر آن می‌افزاید. برای نمونه در ماده «روت»، مدخل «رات» به «کاه» معنی شده است، ولی صفی‌پوری در ادامه گفته است: «یمنیة، روات جمع. کذا فسرہ الشارح، و فی نسخه مصححة من القاموس: الزات: التین - به یاء تحتانی - که در این موضع «تب» صحیح است». یا در ماده «رع ی»، مدخل «رعیة - بالکسر -» آمده است: «زمینی که در آن سنگ‌های بلند و برآمده باشد چنان که مانع لؤمت و پیوستگی گردند. کذا فی الشرح». همچنین در ماده «ذرب»، مدخل «ذریبات - بفتحات مشددة الیاء -» آمده است: «عیب، و سختی، و بلا، ذریبات - به تقدیم مثناة بر موخده -: مثله، قاله فی الشرح». و در مدخل «خفس» در قاموس المحيط «النطق بالقلیل» و در شرح قاموس المحيط به «القبیح من الکلام» معنی شده است. توضیحات جوهری در الصّاح نظر صفی‌پوری را در منتهی الأرب تأیید می‌کند. مدخل اخفس الرّجل: که به «اذا قال اقبح ما قدر علیه» معنی شده، دلیل این صحت تواند بود. همچنین مدخل «کمیّت محلف» در ماده «حل ف» نیز از این قبیل است. این موارد در منتهی الأرب به لغات محدود نیست و در اعلام نیز مشاهده می‌شود. مثلاً توضیح مؤلف در مدخل «عمر واذنانی بن محمود بن بحر، و ابن عمّ او محمّد» در ذیل ماده «ب ح ر» از این مقوله است.

### چند ویژگی دیگر منتهی الأرب

منتهی الأرب مانند شمار دیگری از فرهنگ‌های یک زبانه و دو زبانه فارسی و عربی، درباره برخی مدخل‌ها توضیحاتی دارد که برای خواننده امروزی هیچ راه‌گشا نیست. این توضیحات شاید برای مؤلف یا مؤلفان منابع منتهی الأرب بدیهی یا قابل توجه بوده است، ولی برای خواننده امروز چندان فایده‌ای ندارد. برای نمونه در ماده «ختن»، مدخل «محمّد بن حسن استرآبادی» بدان جهت به «ختن» معروف است که «داماد ابی‌بکر اسماعیل» است، در حالی که «ابی‌بکر اسماعیل» برای خواننده امروز چندان شناخته شده نیست.

برخی نشانی‌های شگفت هم در منتهی‌الأرب، مانند معاجم سنتی فارسی و عربی، وجود دارد. مثال: «شبانی است» یا «نام کوچه‌ای است در نیشابور یا اصفهان». مؤلف از آوردن برخی خرافات هم که ظاهراً در منابع و مآخذش وجود داشته چشم‌پوشی نکرده است، مثلاً در مادّه «بی‌ض» مدخل «بیضة العقر» گزارش کرده: «خروس که سالی یک بار تخم گذارد».

### نتیجه‌گیری

عبدالرحیم بن عبدالکریم صفی‌پوری دانشمند و محقق ذولسانین قرن نوزدهم میلادی در هند است که آثار متعددی در حوزه لغت، صرف و نحو عربی به زبان فارسی و عربی تألیف کرده است. وی علاوه بر تألیف‌های متعدد، چند کتاب را در قرن نوزدهم تصحیح و چاپ کرده است. از سال تولّد وی اطلاعی در دست نیست ولی می‌دانیم که در سال ۱۲۶۷ هجری قمری فوت کرده و در کلکته دفن شده است.

مهم‌ترین اثر صفی‌پوری کتاب منتهی‌الأرب است که نخست در سال ۱۲۵۲-۱۲۵۷ قمری در کلکته و پس از آن مکرّر در شبه‌قاره و ایران چاپ شده است، اما متأسفانه به خاطر حروف‌چینی جدید در ایران خطاهای قابل توجّهی در متن وجود دارد که در این مقاله به برخی از آنها اشاره شد. همچنین فرهنگ لغت بحرال محیط که برخی آن را ترجمهٔ قاموس المحيط دانسته و تألیفش را به وی نسبت داده‌اند از او نمی‌تواند باشد.

### منابع

قرآن.

برزگر، «عبدالرحیم صفی‌پوری»، دانشنامهٔ ادب فارسی در شبه‌قاره، به سرپرستی حسن انوشه، جلد ۲، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۸۰.

چیتیک، ویلیام، تصحیح و تعلیقات بر نقد النصوص فی شرح نقش الفصوص، عبدالرحمان جامی، مؤسسهٔ مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۰.

حسنی، عبدالحی، نزّهة الخواطر و بهجة المسامع و النواظر، حیدرآباد دکن، ۱۳۵۰ ق/ ۱۴۰۲ م.

دهخدا، لغت‌نامه، مؤسسهٔ انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۷.

سید عبدالله، محمد، «لغات، زبان‌آموزی و زبان‌دانی و غیره»، تاریخ ادبیات مسلمانان پاکستان و هند، به

کوشش سید فیاض محمود و سید وزیرالحسن عابدی، لاهور، ۱۹۷۲ م.  
صفی‌پوری (۱)، عبدالرحیم بن عبدالکریم، منتهی‌الأرب فی لغات العرب، (افست از چاپ سنگی)،  
کتابخانه سنایی، تهران، ۱۲۹۶ ق.

\_\_\_\_\_ (۲)، منتهی‌الأرب فی لغات العرب، مطبع اسلامیة، لاهور، ۱۳۲۳-۱۳۲۵ ق.  
\_\_\_\_\_ (۳)، منتهی‌الأرب فی لغة العرب، تصحیح و تعلیق محمد حسن فوادیان و علیرضا حاجیان‌نژاد،  
مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران، جلد اول (الف - خ): ۱۳۸۷، جلد دوم (د - ص): ۱۳۹۲.  
طیبیان، سید حمید، «نقد و بررسی ویژگی‌های واژگانی، زبانی، دستوری و نگارش منتهی‌الأرب»،  
کهن‌نامه ادب فارسی، س ۳، ش ۲، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، پاییز و زمستان  
۱۳۹۱.

رحمان علی ریوانی، محمد عبدالشکور، تذکره علمای هند، لکهنو، ۱۳۳۲ ق.  
منزوی، «فرهنگ‌های عربی به فارسی»، مقدمه بر لغت‌نامه، مؤسسه لغت‌نامه دهخدا، تهران، ۱۳۳۷.  
نوشاهی (۱)، عارف، فهرست کتاب‌های فارسی چاپ سنگی و کمیاب کتابخانه گنج‌بخش، مرکز  
تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، لاهور، ۱۳۶۵.  
\_\_\_\_\_ (۲)، کتاب‌شناسی آثار فارسی چاپ شده در شبه‌قاره، میراث مکتوب، تهران، ۱۳۹۱.

Storey, C. A., *Persian Literature: A Bio-Bibliographical Survey*, London, 1970-1994.

Nabi Hadi, *Dictionary of Indo-Persian Literature*, Delhi, 1995.



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی